

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۴۸ - ۱۹

اندیشه های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبایی به منظور ارائه الگوی تربیت اخلاقی

سید نورالدین حسینی^۱علی اصغر ماشینیچی^۲مختار رنجبر^۳

چکیده

هدف از تحقیق حاضر مطالعه اندیشه های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبایی به منظور ارائه الگوی تربیت اخلاقی است. این پژوهش از نظر اهداف، کاربردی و از نظر شیوه جمع آوری اطلاعات از نوع تحلیل محتوا قیاسی است. حوزه پژوهش شامل کتب، مقالات و تحقیقاتی بوده که شامل ۸۰ جلد کتاب و مقالات در این زمینه بود و با روش نمونه گیری به صورت هدفمند و ملاک محور و به شرط مرتبط بودن و بروز بودن که بیشترین ارتباط با موضوع را داشتند انتخاب شد. و به شیوه کدگذاری انجام شد. ابزار مورد استفاده به صورت ثبت اطلاعات و فیش برداری از منابع معتبر، مقالات و اسناد می باشد که به شیوه کتابخانه ای یا اسنادی انجام شد. روش تحلیل داده ها روش کدگذاری به شیوه (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی یا گزینشی) بود. یافته ها گویای آن بود که تحقیقات انجام شده قبلی توسط سایر محققان تاحدودی با نتایج بدست آمده در این تحقیق همخوانی داشته است و برخی از شاخص ها و مولفه بدست آمده در تحقیق حاضر بوسیله یافته های قبلی تایید می شود. پس از بررسی و مطالعات مبانی نظری و پیشینه تحقیقاتی و مستندات با مقالات و پژوهشگران ۷ بعد، ۲۸ مولفه و ۷۲ شاخص در قالب یافته های بخش شناسایی شد که شامل اندیشه فلسفی ۴ مولفه و ۱۲ شاخص، اندیشه تربیتی ۴ مولفه و ۱۰ شاخص، اندیشه سیاسی ۴ مولفه و ۹ شاخص، تربیت مطلوب ۴ مولفه و ۱۱ شاخص، توحید صفاتی ۴ مولفه و ۹ شاخص، سعادت ۴ مولفه و ۱۱ شاخص و حکمت متعالیه ۴ مولفه و ۱۰ شاخص شناسایی شد.

واژگان کلیدی

نظریه فلسفی، نظریه تربیتی اخلاقی، ملاصدرا، علامه طباطبایی، هدف.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

Email: Seidnoor14@gmail.com

۲. استاد یار گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Mashinchi56@gmail.com

۳. گروه مدیریت، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

Email: Ranjbarmokhtar@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۴/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۲۵

طرح مسأله

از نظر ملاصدرا افعال اندیشه‌های تربیتی افعالی جزئی، قابل زوال و ناقص هستند که بقاء و استكمال آن‌ها به وسیله شریعت امکان‌پذیر خواهد بود. مثلاً اگر شریعت کسی را امر به نماز و روزه می‌کند، نفع آن به خود شخص بر می‌گردد در حالی که هر گاه اندیشه‌های تربیتی کسی را به پوشیدن لباس‌های فاخر و انواع تجملات فرمان دهد، این عمل به خاطر دیگران است نه برای کسی که آن را پوشیده است (مطهری، ۱۳۷۱: ۵۵). علامه طباطبایی در مقام تشبیه عدالت فردی و اجتماعی نیز بیان می‌دارد: همان‌گونه که در اجتماع، هر فرد ادعای برتری و سروری بر دیگران را دارد، قوای نفسانی نیز ادعای تقدم و برتری بر یک دیگر را دارند. قوای حیوانی سودای حکومت بر قوای خیالی را دارند و قوای خیالی نیز مدعی سلطنت بر قوای واهمه و قوای عقلانی دارند. ملکه عدالت در میان قوای مختلف، نظم برقرار می‌کند و جایگاه هر کدام از قوا را تعیین و سلطنت هر یک بر دیگری را تعیین می‌کند. در اندیشه فیلسوفان اسلامی عدالت از چنان جایگاهی برخوردار است که بدون آن اجرای قوانین عادلانه در یک جامعه امکان‌پذیر نیست (مصباح یزدی، ۱۳۶۲: ۴۸). اندیشه سیاسی صدرالمتألهین بخشی از میراث علمی اوست؛ اندیشه‌ای که توجه به آن برای بررسی تحولات سیاسی - اجتماعی ایران معاصر و به ویژه نقش علمای پیرو مکتب متعالیه چون علامه طباطبایی، امام خمینی و شهید مطهری که در بیداری فکر دینی و سیاسی و احیای انگیزه‌های اصلاح‌گرایانه نقش اساسی داشته‌اند، ضروری است (لک‌زایی، ۱۳۹۱: ۹۹). ملاصدرا به عنوان مدع حکمت متعالیه، آرایه در باب سیاست و حکومت دارد؛ اما به آن حد نیست که مجموعه‌ای بدیع، جامع و مهم در باب سیاست و حکومت تلقی شود، بحث اوصاف و صفات نبی، طبع مدنی انسان، سعادت محوری و اصناف مردم و مدن تفاوت چندان با فلسفه سیاسی فلاسفه مشاء ندارد. فلسفه سیاسی صدرا همانند دیگر فلاسفه کلاسیک اسلامی، اقتدارگرایانه ارزیابی می‌شود. نه تنها وی از «حکمت متعالیه» بحثی به میان نیاورده، بلکه بازسازی آن نیز مشکل یا کم‌فایده به نظر می‌رسد. بین اندیشه سیاسی صدرا و ولایت سیاسی فقیهان نسبت مستقیمی نمی‌توان برقرار ساخت (ادیب، ۱۴۲۳: ۵۱). ملاصدرا در آثار خویش به کرات از جوانب مختلف درباره معرفت فلسفی و تربیتی به تأمل پرداخته است. یکی از این زوایا، موضوع جایگاه اندیشه‌های تربیتی و دانش فلسفی و تربیتی در طبقه بندی علوم است (بازرگان، ۱۳۹۲: ۱۲۳). علامه طباطبایی خواستار حفظ وجود عقلانی و شرف اخلاقی است. او معتقد است که باز ساخت انسان طبیعی منوط به بازگرداندن صفات طبیعی انسان بدوی به این وجود است (لک‌زایی، ۱۳۹۱: ۵۶). از نظر علامه طباطبایی این صفات عبارتند از: نیکی، آزادی و خوشبختی این بازساخت در دو جزء باید شکل گیرد: یکی اصلاح فرد و دیگری اصلاح

جامعه اصلاح فرد نیز تنها از راه تربیت امکان دارد که علامه طباطبائی برای این منظور آموزش و پرورش منفی را پیشنهاد می‌کند (اصغری، ۱۳۹۱: ۲۵). علامه طباطبائی معتقد است که نقش مربی در تعلیم و تربیت منفی این است که از طریق ورزش دادن حواس کودک و مناظره با کودک، راه تعقل را برای او هموار کند و او را از خطر مصون دارد. تعلیم و تربیت منفی فضیلت و هنر نمی‌بخشد، بلکه خطر ردیلت و عیب را دور می‌کند. ۳ علامه طباطبائی مراحل تعلیم و تربیت را در کتاب مشهور خود امیل بر چهار مرحله تقسیم می‌نماید که به ترتیب منطبق بر رشد جسم، حواس، مغز و جان می‌باشد. ۲ در مرحله اول که سنین یک تا پنج سالگی را شامل می‌شود، تقویت جسم و استعدادهای جسمانی کودک باید مورد توجه قرار گیرد. او معتقد است که در این سنین نباید وارد محدوده تحولات و تربیت عقلانی ش. در مرحله دوم را شامل سنین پنج تا دوازده سالگی می‌داند که کودک از جهان خارجی تجربه‌های شخصی بدست آورده است. در مرحله سوم که سنین دوازده تا پانزده سالگی را در بر دارد، به تربیت عقلانی توجه می‌شود از نظر علامه طباطبائی در آستانه‌ی این مرحله کودک بسیار نادان جلوه می‌کند، چون معلومات سنتی به او عرضه نشده است. از نظر علامه طباطبائی تعلیم و تربیت به معنای محدود آن همین جا خاتمه می‌یابد اما به معنی وسیع آن، سن پانزده سالگی شروع تعلیم و تربیت اصلی است. که پس از تربیت جسمانی، از این پس انسان باید روابط خود را با اشیاء بررسی کند و چون در زندگی اخلاقی گام می‌نهد، باید در روابط خود با جهان بشری تأمل کند. ۳ در مرحله چهارم که پانزده تا بیست سالگی است، به پرورش جان پرداخته می‌شود. با مشاهده‌ی طبیعت، حس دینی و حس پرستش آفریننده از روی غریزه و فطرت آغاز می‌شود اما اصلاح جامعه از نظر علامه طباطبائی با برقراری مجدد برابری میسر است (امید، ۱۳۹۰: ۹۳). ملاصدرا پس از بیان ضرورت وجود اجتماع و زندگی اجتماعی برای انسان، تربیت مطلوب و مدینه فاضله را به عنوان نمونه مطلوب تشریح کرده است. وی پس از طرح مدینه فاضله به ساختار درونی آن می‌پردازد و آن را به بدن تام صحیح تشبیه می‌کند که همه اعضای آن در تکمیل زندگانی یکدیگر را یاری می‌کنند. در میان اعضای جامعه، رییس به مثابه قلب است. مراتب قرب اعضای دیگر به رییس متفاوت است. در مرتبه بعد از رییس اعضایی وجود دارد که نزدیک به قلب هستند و به قلب خدمت می‌کنند و در مرتبه سوم اعضایی وجود دارد که بر مقتضای اعضای قبل از خود عمل می‌کنند و به واسطه آن اعضا در خدمت قلب قرار می‌گیرند و بعد از این‌ها نیز اعضایی هست که مستقیماً به این‌ها خدمت می‌کنند و مخدوم اعضای بعد از خود هستند تا به اعضایی منتهی می‌شود که تنها نقش خدماتی دارند و خادم عضو دیگری نیستند. همچنین شهروندان از نظر فطرت و طبیعت اختلاف دارند و هریک به اندازه‌ای از عنایت خداوند بهره‌برده‌اند و هر کدام و هر دسته در مرتبه از جامعه قرار دارند. مهم آن است که همه شهروندان و گروه‌های اجتماعی به

سوی یک هدف در حرکت باشند. (اردستانی، ۱۳۹۸: ۶۷) حکمت متعالیه در عین حال که نفوذ بسیاری پیدا کرده است، از پیچیدگی و شکل خاصی برخوردار است. هرکس که به فلسفه و مجموعه علوم عقلی، دلبستگی دارد، نمی‌تواند ذهن خود را از این نظام فلسفی، فارغ و خالی کند و هر گونه تحقیقی را در این باره مغتنم می‌شمارد. خصوصاً با نفوذ و گسترشی که این طرز تلقی از جهان هستی پیدا کرده است، ضرورت افزونتری برای پیگیری اصول این فلسفه حس می‌شود (صدرالمتألهین شیرازی، به کوشش: فیضی، ۱۳۹۶: ۱۳۴). از نظر ملاصدرا، اندیشه‌های تربیتی به معنای تدبیر و هدایت جامعه از دنیا به سوی آخرت به منظور تقرب به خداوند متعال می‌باشد؛ حرکت از خود پرستی به خداپرستی و از شرک به توحید. بدیهی است چنین اندیشه‌های تربیتی به انبیا ائمه و علمای واجد شرایط اختصاص دارد. در این راستا انسان‌ها دو راه در پیش دارند: راه خدا و راه طاغوت. معرفت جهت دهنده انسان به یکی از این دو مسیر خواهد بود. (صدرالمتألهین، ترجمه و تصحیح حسن زاده آملی، ۱۳۸۹: ۸۷). علامه طباطبایی در یک تقسیم بندی کلی عدالت را به دو حوزه عدالت اجتماعی و فردی تقسیم کرده اند که عدالت اجتماعی در فلسفه فلسفی و تربیتی و عدالت فردی در فلسفه اخلاق جای می‌گیرد. علامه طباطبایی در مقام تشبیه عدالت فردی و اجتماعی نیز بیان می‌دارد: همان گونه که در اجتماع، هر فرد ادعای برتری و سروری بر دیگران را دارد، قوای نفسانی نیز ادعای تقدم و برتری بر یک دیگر را دارند. قوای حیوانی سودای حکومت بر قوای خیالی را دارند و قوای خیالی نیز مدعی سلطنت بر قوای واهمه و قوای عقلانی دارند. ملکه عدالت در میان قوای مختلف، نظم برقرار می‌کند و جایگاه هر کدام از قوا را تعیین و سلطنت هر یک بر دیگری را تعیین می‌کند. در اندیشه فیلسوفان اسلامی عدالت از چنان جایگاهی برخوردار است که بدون آن اجرای قوانین عادلانه در یک جامعه امکانپذیر نیست. چنانچه علامه طباطبایی در مورد لزوم وجود قانون و تبعیت از آن می‌گوید: به قانونی محتاج می‌باشند که عامه خلق به آن رجوع نمایند، و برطبق آن به عدل حکم نمایند، و الا جمع فاسد و نظام مختل می‌گردد (اردستانی، ۱۳۹۸: ۱۱). علامه طباطبایی علم را به لحاظ هستی شناسی به دو قسم تقسیم می‌کند: علم حصولی و حضوری. در بحث وجود ذهنی نحوه علم حصولی را چنین بیان می‌کند: ما علم به برخی موجودات خارجی داریم، یعنی اشیاء خارجی با ماهیاتشان در نزد ما حاضرند نه با وجودهای خارجی که دارای آثار خارجی هستند. این نوع علم را حصولی می‌نامند. قسم دوم علم حضوری است که ایشان مصادیقی را به عنوان علم حضوری ذکر می‌کند و با ذکر این موارد، علم حضوری را اثبات می‌نماید (مصباح یزدی، ۱۳۶۲: ۵۵). علامه طباطبایی توحید صفاتی حق تعالی را در قالب نظریه فلسفی عینیت صفات کمالی با ذات حق تعالی تفسیر می‌کند و این دیدگاه را تنها تبیین معقول از توحید صفاتی می‌داند. بر اساس این نظریه، صفات کمالی در خارج با ذات الهی و با یکدیگر عینیت دارند هر

چند از جهت مفهومی با هم و با ذات مغایرند. وی این نظریه را بر اساس اصولی فلسفی همچون "معطی شیء فاقد شیء نمی شود" و صرافت و بساطت ذات الهی مدلل می کند (امید، ۱۳۹۰: ۵۵). علامه در پاسخ به این پرسش که چگونه این تفسیر از توحید صفاتی با قبول کثرت مفهومی صفات سازگار است، دو راه پیموده است: الف) تبیین اعتباری بودن مفاهیم صفات؛ ب) نفی انتساب کثرت صفات به مقام ذات. با تحلیل بیشتر می توان نشان داد که این دو پاسخ در طول هم اند و تناقضی با یکدیگر ندارند. پاسخ نخست بر این مبنا است که چون مفاهیم صفات اعتباری است، کثرت مفهومی صفات لطمه ای به وحدت مصداقی صفات و ذات نمی زند. اما پاسخ دوم یک گام فراتر می نهد و مقام ذات الهی را از تقید مفهومی و مصداقی پیراسته می داند؛ هر چند کثرت مفهومی صفات بعد از مقام ذات تحقق می یابد اما ذات خداوند عین تمام صفات کمالی به نحو اعلی و اشرف است (پورحسن، ۱۳۹۲: ۳۴). فرامرز قراملکی. (۱۳۹۸): به بررسی روش شناسی فلسفه صدرای پرداخت. در مجموع از یافته های پژوهش نتیجه گرفت که تربیت اخلاقی عبارت است از این که هر فردی با اعمال، حرکت ارادی و افعال اختیاری خود، به همان کمالی که خداوند متعال در فطرت و ذات او قرار داده است برسد؛ یعنی همان کمال نوعی که مخصوص نوع انسان است. بنابراین، باید گفت که فرق بین خیر و تربیت اخلاقی در این است که خیر به نسبت افراد مختلف نیست، بلکه یکسان است؛ یعنی تمام افراد، اعم از عالم و جاهل خیر را به یک معنا می دانند و از این که هدف نهایی آنهاست، تفاوتی ندارد. امه طلب، و نامدار، (۱۳۹۶): در پژوهشی با عنوان: حکمت صدرایی و انقلاب اسلامی ایران»، به این نتیجه رسیده که در عین گوشه گیری و اعراض از پیوستن به صاحبان قدرت به مباحث فلسفی و تربیتی تا آنجا که خود لازم می دانست، پرداخته است.

خامنه ای (۱۳۹۶) به مطالعه فلسفه سیاسی در حکمت متعالیه پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که دینداران تربیت اخلاقی و کمال را با توجه به اینکه خداوند غایت نهایی همه حقایق و امور است تفسیر می کنند. در تفسیری غیر دینی با نوعی زندگی اخلاقی تبیین می شود. چه زندگی، اخلاقی را مطابق دیدگاه ارسطویی یان به معنای زندگی فضیلت مندانه بدانیم یا مطابق نظر سودگرایان به معنای زندگی ای سرشار از لذت و خوشی در رسیدن به منافع بیشتر. لچت، جان^۱ (۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان: پنجاه متفکر بزرگ معاصر از ساختارگرایی تا پسامدرنیته، به این نتیجه رسیده که هدف نهایی اندیشه های تربیتی الهی سوق دادن تمام بشر به جوار الهی و دستیابی به عنایت و رحمت پروردگار است. بوگلر و سومک^۲، (۲۰۱۸)، در تحقیق خود با عنوان نفس از دیدگاه ابن عربی و ملاصدرا نشان داد که از نظر ملاصدرا، اتصاف ذات الهی به صفات

1. Latchett, John

2. Bugler and Somek

کمالی به نحو عینیت صفات با ذات و تربیت اخلاقی با یکدیگر است و تنها این دیدگاه می‌تواند تفسیر معقول و قابل پذیرشی از توحید صفاتی ارائه کند. اولیچ، رابرت^۱، (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان " مریبان بزرگ، مترجم علی شریعتمداری " انجام دادند. در این پژوهش عنوان کردند ذات اشیاء در دو موطن می‌تواند وجود پیدا کند: یکی در موطن عین و عالم خارج و دیگری در عالم ذهن و نفس. طبعاً یک ذات دو سنخ وجود پیدا می‌کند که بر یک سنخ یک نوع آثار بار می‌شود و بر سنخ دیگر نوع دیگری از آثار مترتب است در عین این که در تربیت اخلاقی ذات در هر دو یکی است. ریچارد آپلین^۲ (۲۰۱۵) در تحقیق خود با عنوان تربیت فلسفی و فلسفه تربیت بیان کرده است که لازمه تربیت اخلاقی وجود علم است که امری وجدانی و بدیهی است. علم یک حالت وجدانی نفسانی است که انسان زنده دانا بی تردید آن را در خود می‌یابد و وجودش را تصدیق می‌کند. بنابراین، اگر تعریفی برای علم صورت بگیرد، تعریفی لفظی و شرح اللفظ خواهد بود. اهمیت تعلیم و تربیت اسلامی از دید صاحب‌نظران و ایده پردازان این نظام تربیتی پوشیده نیست همچنین، توانایی انسان در پذیرش هر نوع دستور تربیتی نیز ویژگی مهم و غیرقابل انکار فطرت و سرشت آدمی است ضرورت این تحقیق در این نکته نهفته است که از یک سو آراء علامه طباطبایی به عنوان یک فیلسوف عموماً در نظام تربیتی جهانی، دارای اعتبار و ارزش کاربردی می‌باشد و در جامعه ی کنونی، کانون توجه اندیشمندان و برنامه ریزان امر تعلیم و تربیت شده است و از سوی دیگر نظریات ملاصدرا فیلسوف بزرگ اسلامی، با وجود جامعیتی که دارد، به دست فراموشی سپرده شده است. در نگارش این مقاله که به روش اسنادی - کتابخانه‌ای صورت گرفته است، این هدف دنبال شده است که با بیان نقاط تشابه میان افکار این دو فیلسوف بزرگ و نامدار، و با ارائه ی مباحث مهمی که تنها در آراء تربیتی - اسلامی ملاصدرا یافت می‌شود، گام دیگری در توسعه ی اندیشه ی اسلامی در تعلیم و تربیت برداشته شود. مشرب فکری علامه طباطبایی بر این فرض مبتنی است که طبیعت، بنیاد واقعیت است و این واقعیت، همان ماده ی در حال حرکت است. اما ملاصدرا نفس آدمی را که مجرد از ماده است، بنیاد واقعیت و محل تحول انسان می‌داند (ادیب، ۱۴۲۳: ۷۸). هرچند هر دو فیلسوف معتقد به ترکیب آدمی از جسم و روح هستند و برای روح منشأ الهی قائلند، و ویژگی بارز اخلاقی انسان را برخوردار بودنش از نعمت عقل می‌دانند، اما هر کدام تفسیری نسبتاً متفاوت برای این دیدگاه خود دارند (اسمعیلی، ۱۳۹۲: ۱۲۶). لذا با توجه به موارد گفته شده در این پژوهش محقق به دنبال یافتن پاسخ به فرضیات مطرح شده ذیل می‌باشد:

فرضیه اول: شاخص‌ها و مولفه اندیشه‌های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبایی

1. Ulich, Robert
2. Richard Aplin

در تربیت اخلاقی کدامند؟

فرضیه دوم: الگوی تربیت اخلاقی اندیشه‌های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبائی چگونه می‌تواند باشد؟

روش تحقیق

این پژوهش از نظر اهداف، کاربردی و از نظر شیوه جمع‌آوری اطلاعات از نوع تحلیل محتوا قیاسی است و برای این منظور ابتدا داده‌ها براساس فیش و ثبت اطلاعات گردآوری شدند که منجر به شناسایی مولفه‌های مطالعه تطبیقی اندیشه‌های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبائی به منظور ارائه الگوی تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول شد. در پژوهش حاضر نیز به منظور مطالعه تطبیقی اندیشه‌های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبائی به منظور ارائه الگوی تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول از روش تحلیل محتوا از نوع قیاسی است، به عبارت دیگر به منظور گردآوری و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) استفاده گردید. با توجه به اینکه ابعاد، مؤلفه و شاخص‌ها استخراج گردیده‌اند. برای بررسی صحت این دسته‌بندیها در واقعیت، پرسشنامه‌های محقق ساخته روایی و پایایی شاخص‌ها بدست آمد. حوزه مطالعاتی این پژوهش شامل کلیه مقالات و پژوهشها و نظریات صاحب‌نظران این حوزه می‌باشد. که تعداد آنها ۸۰ جلد بود و با روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و ملاک محور و به شرط مرتبط بودن و بروز بودن که بیشترین ارتباط با موضوع را داشتند انتخاب شد که حداقل یکی از موارد اندیشه‌های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبائی را داشته باشند. جامعه آماری این پژوهش شامل تحلیل محتوای مقالات و پایان‌نامه‌های نوشته شده به شیوه کدگذاری خواهد بود. شامل کلیه کتب، مقالات و تحقیقات چاپ شده بود که توسط پژوهشگران و محققان مختلف و به شیوه کدگذاری انجام شد. روش تجزیه تحلیل داده‌ها در این پژوهش در سه مرحله ی کدگذاری باز، کدگذاری باز و محوری، کدگذاری انتخابی انجام خواهد شد.

یافته‌ها

فرضیه اول: شاخص‌ها و مولفه اندیشه‌های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبائی در تربیت اخلاقی کدامند؟

داده‌های پژوهش از طریق فرایند کدگذاری بررسی شدند که در ادامه تشریح شده است.

۱- کدگذاری باز

در این مرحله از پژوهش، مفاهیم و نکات کلیدی بدست آمده در خصوص الگوی مولفه‌های اندیشه‌های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبائی به منظور ارائه الگوی تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول، از فرایند مطالعه اسناد و مدارک شامل مبانی نظری و

پیشینه پژوهش یادداشت برداری و بر اساس مبانی علمی و نظری از نظر مفهومی یکسان سازی شدند.

جدول شماره ۱: مولفه های اندیشه های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبایی به منظور ارائه الگوی تربیت اخلاقی دانش آموزان دوره متوسطه اول بر اساس ادبیات و پیشینه تحقیق

نویسنده	پاراگراف مستخرج	شاخص / کد باز
(لکزایی، ۱۳۹۱).	«تعلیم مختص آگاهی دادن است که همراه با تکرار باشد تا در جان فراگیرنده مؤثر افتد»	۱. تعلیم ۲. آگاهی دادن ۳. تکرار ۴. فراگیرنده ۵. اثرپذیری
(آشتیانی، ۱۳۹۶)	اما هرگاه اندیشه های تربیتی از شریعت اطاعت نکند و در برابر آن عصیان ورزد، احساسات انسان بر آرای کلی و ادراکات عقلی او غلبه خواهد کرد. حاکمان و زمامداران نمی دانند که اگر اقامه سنن و نوامیس و قوانین فلسفی و تربیتی خود را بدان گونه که وضع کرده اند، ادامه دهند خداوند خشمگین می شود و بر آنان قیام می کند و مظاهر قهر و سلطان خود را فرمان می دهد تا آن چه را از نظام عالم فاسد و تباه شده است، به جای اصلی اش بازگرداند	۶. اندیشه های تربیتی ۷. احساسات انسان ۸. ادراکات عقلی ۹. قوانین فلسفی و تربیتی ۱۰. خداوند ۱۱. نظام عالم
(اردستانی، ۱۳۹۸)	شهروندان از نظر فطرت و طبیعت اختلاف دارند و هریک به اندازه ای از عنایت خداوند بهره برده اند و هر کدام و هر دسته در مرتبه از جامعه قرار دارند. مهم آن است که همه شهروندان و گروه های اجتماعی به سوی یک هدف در حرکت باشند.	۱۲. فطرت ۱۳. طبیعت ۱۴. خداوند ۱۵. گروه های اجتماعی ۱۶. هدف ۱۷. عنایت
(شیرازی، ۱۳۹۱)	امامت امام و فلسفه فیلسوف و سروری سروران بر اثر نبودن وسایلی که به و سیله آن ها خواست های خود را انجام دهند و یا نبودن افرادی که لازم است تا تحقق اهدافشان به کار گیرند، فساد نپذیرد و تباهی نگیرد	۱۸. فلسفه ۱۹. اهداف
(اخلاقی، ۱۳۹۳)	اندیشه سیاسی دارای معنای عام، خاص و خاص الخاص باشد. اندیشه سیاسی به معنای عام، هر گونه تأمل در باب اندیشه های تربیتی را شامل می شود، خواه این تأمل توسط متفکر حرفه ای انجام شده باشد، خواه توسط متفکری غیر حرفه ای.	۲۰. اندیشه سیاسی ۲۱. اندیشه های تربیتی

نویسنده	پاراگراف مستخرج	شاخص / کد باز
(جوادی آملی، ۱۳۹۸).	اندیشه سیاسی به معنای خاص تنها تأملات تخصصی اندیشمندان سیاسی را در بر می‌گیرد. بنابراین خاطرات اندیشه‌های تربیتی مداران و اشعار سیاسی شعرای غیر حرفه‌ای از این تعریف خارج می‌شود. این تعریف به خودی خود اعم از آن است که مجموعه‌ای نظام مند و جامع از مباحث سیاسی را در برداشته باشد یا تنها به برخی از مسائل تخصصی در این زمینه بپردازد.	۲۲. اندیشه سیاسی ۲۳. اندیشه‌های تربیتی ۲۴. مباحث سیاسی ۲۵. مسائل تخصصی
(. خامنه‌ای، ۱۳۹۸)	اندیشه سیاسی صدرا، سیستمی جامع را تشکیل نمی‌دهد که زیر سیستم‌های آن به شکل دقیق مشخص شده و با کل نظام اندیشگی وی در ارتباط باشد. با توجه به آن که ملاصدرا هفت سفر با پای پیاده به مکه مکرّمه مشرف شد، در عزلت (و شاید تبعید) به سر می‌برد و مغضوب فقهای زمانه خود شد، پسرمان او در انداختن طرحی نو در فلسفه سیاسی نبود	۲۶. اندیشه سیاسی ۲۷. سیستم جامع ۲۸. اندیشه
(تقوی، ۱۳۹۱).	اگر در اندیشه سیاسی صدرا نوآوری وجود داشته باشد، باید آن را در پیوند با نظریه حرکت جوهری جست‌وجو نمود. انسان کامل و رئیس مدینه براساس حرکت جوهری به کمالاتی دست می‌یابد و شایستگی رهبری جامعه را پیدا می‌کند. بنابراین غایت جامعه نیز براساس حرکت جوهری انسان کامل تعریف می‌شود (تقوی، ۱۳۹۱).	۲۹. اندیشه سیاسی ۳۰. حرکت جوهری ۳۱. غایت جامعه
(لک‌زایی، ۱۳۹۱)	می‌توان نظریه‌ای براساس حرکت جوهری به نام «حکمت سیاسی متعالیه» بنا نهاد.	۳۲. حرکت جوهری ۳۳. حکمت سیاسی متعالیه
(مطهری، ۱۳۶۲).	یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های آن با دیگر نظریه‌های موجود در بین فلاسفه اسلامی، مبحث کمال انسان (بالاخص رئیس مدینه) براساس حرکت جوهری خواهد بود، و این مسأله‌ای نیست که بتواند این نظریه را به شکل خاص از دیگر نظریه‌ها متمایز نماید	۳۴. کمال انسان ۳۵. حرکت جوهری
(نصر، ۱۳۴۰)	علوم اخروی که عقل عادی نمی‌تواند به آنها برسد و لازم است تا از وحی و تهذیب نفس برای رسیدن به آنها کمک گرفته شود، عبارتند از: فرشته‌شناسی، شناخت جواهر غیرمادی، شناخت لوح محفوظ، شناخت قلم اعلا، شناخت مرگ و رستاخیز و سایر اموری که به زندگی اخروی مربوط است.	۳۶. تهذیب نفس ۳۷. شناخت جواهر غیرمادی ۳۸. زندگی اخروی

نویسنده	پاراگراف مستخرج	شاخص / کد باز
(نورانی، ۱۳۶۲)	اداره جامعه مدنی و فلسفی و تربیتی و نهادهای اجتماعی آن که فقه، حقوق و قوانین و مقررات کوچک و بزرگ دینی یا غیر دینی در این بخش جا می‌گیرد و فلاسفه به آن علم اندیشه های تربیتی می‌گویند.	۳۹. جامعه مدنی ۴۰. مقررات کوچک و بزرگ دینی ۴۱. اندیشه های تربیتی،
(عبودیت، ۱۳۸۹)	ملاصدرا دانش اندیشه های تربیتی را می‌شناسد و به آن توجه دارد و برای آن جایگاه خاصی قایل است. همچنین وی معرفت فلسفی و تربیتی و تمام معارف را در شبکه و منظومه‌ای خاص (دینی و الهی) می‌بیند و بر این اساس، علوم اخروی و الهی و حکمت نظری را بر علوم دنیوی و حکمت عملی مقدم می‌داند.	۴۲. معرفت فلسفی و تربیتی ۴۳. حکمت نظری
(اعوانی، ۱۳۹۴)	اگر امرحیات و زندگانی در افراد بشر مهمل و معطل گذاشته شود و اندیشه های تربیتی عادلانه و حکومت امرانه و زاجرانه‌ای ما بین آنان در مورد تقسیمات اراضی و اماکن و اموال و تخصیص دادن هر قسمتی از آنها به شخص خاصی طبق حقوق و قوانین موضوع وجود نداشته باشد، هر ایینه امر حیات و معیشت بر آنان دشوار و مشوش می‌گردد و کار به جنگ و جدال و قتال می‌کشد و این مسئله آنان را از سیر و سلوک و عبودیت پروردگار منحرف می‌سازد و آنان را از ذکر خدا غافل می‌کند.	۴۴. عبودیت پروردگار ۴۵. اندیشه های تربیتی عادلانه
(افروغ، ۱۳۹۴)	اندیشه های تربیتی و شریعت در اندیشه ملاصدرا در راستای یکدیگرند، زیرا هر دو می‌خواهند انسان را با گذر از منازل و مراحل سفر به قرب حق تعالی برسانند. اما مراجعه به آثار ملاصدرا در اظهار نظر ما خلل وارد می‌کند، زیرا وی در کتاب شواهدالربوبیه چهار فرق میان شریعت و اندیشه های تربیتی ذکر کرده است و با استناد به گفتار افلاطون در کتاب نوامیس، منتقد است که میان شریعت و اندیشه های تربیتی از نظر مبدأ، غایت، فعل و انفعال تفاوت وجود دارد.	۴۶. مبدأ ۴۷. غایت ۴۸. فعل و انفعال
(آیت الهی، ۱۳۹۳)	تفاوت اندیشه های تربیتی و شریعت از نظر انفعال: امر شریعت، لازم ذات شخص مأمور است، ولی امر اندیشه های تربیتی عرضی مفارق و غیر لازم ذات شخص مأمور می‌باشد، زیرا برای منظور دیگری است؛ برای مثال، شریعت شخص را به نماز و روزه امر می‌کند و آن	۴۹. امر شریعت، ۵۰. اندیشه های تربیتی عرضی ۵۱. اندیشه های تربیتی شخصی

نویسنده	پاراگراف مستخرج	شاخص / کد باز
	شخص پذیرفته و به نفس انجام می‌دهد و در نتیجه، نفع آن عاید خود او می‌گردد، ولی هرگاه اندیشه‌های تربیتی شخصی را به انجام کاری مأمور کند او را به تزیین و رنگین کردن جامعه خویش و الصاق نشانه‌های افتخار و سمت مأموریت و سایر اصناف تجملات امر می‌کند و این کار تنها برای نظار و جلب توجه آنان است نه برای ذات لباس.	
() ژردری زاده، (۱۳۹۴)	صدرا سعادت هر قوه ای را به ادراک ملائم با آن قوه تعریف می‌کند. چنانکه مدرک در درک حقایق دارای مراتب است؛ مدرک (وجود) نیز دارای مراتب و تفاضل است و اشرف آنها وجود حق اول است و ادون آنها وجود محسوسات. همچنانکه وجود هر چیز نزد خودش لذیذ می‌باشد وجود علتش لذیذتر است زیرا که علت شیئی مقوم ذات و کمال اوست. پس لذیذ حقیقی، وجود است خصوصاً معشوق حقیقی و کمال مطلق که کاملترین وجود است.	۵۲. ذات و کمال ۵۳. کمال مطلق
(اسمعیلی، ۱۳۹۲)	صدرا سعادت را به دو قسم دنیوی و اخروی و هر کدام را نیز به ۳ قسم تقسیم می‌کند. سعادت دنیوی شامل صحت و سلامت بدن و اسباب معاش و ما یحتاج زندگی است و سعادت اخروی شامل سعادت علمی یعنی کسب معارف و حقایق و سعادت عمل به معنای طاعت الهی است. کسب فضائل و اخلاق جمیله نیز جزو سعادت عملی محسوب می‌شوند.	۵۴. سعادت دنیوی ۵۵. سعادت اخروی ۵۶. سعادت علمی ۵۷. سعادت عملی
(اصغری، ۱۳۹۱)	سعادت نفس در این عالم با مشارکت بدن و به معنای صدور افعالی است که او را در میان اخلاق متضاده بدنیه متوسط ساخته و به خلق اعتدال کشانده و آن خلق را ملکه او گردانیده است.	۵۸. سعادت نفس ۵۹. مشارکت بدن ۶۰. اخلاق متضاده بدنیه ۶۱. خلق اعتدال
(اخلاقی، ۱۳۹۳)	تمام مباحث مربوط به بررسی عقلانی این عقیده به کوشش شمار اندکی از پژوهشگران متأخر شیعه محدود می‌شود که در بخشی از کتاب خود و صرفاً به عنوان دفع یک شبهه عقلانی به دفاع از امکان عقلی این پدیده پرداخته‌اند. صدرالمتهلین خود به عنوان یک شیعه رجعت خاص آخرالزمان را می‌پذیرد و روایت‌های بسیار را دلیل بر صحت این اعتقاد می‌داند. او عقل را نیز	۶۲. شبهه عقلانی ۶۳. امکان عقلی ۶۴. رجعت خاص ۶۵. نگاه عقلی و فلسفی ۶۶. عقیده

شاخص / کد باز	پاراگراف مستخرج	نویسنده
	پشتیبان این عقیده می خواند اما در هیچ یک از آثارش این عقیده را با نگاه عقلی و فلسفی نمی کاود. اما پس از او بزرگانی چون ملاعلی نوری ، علامه طباطبایی و مرحوم سید ابوالحسن رفیعی قزوینی از جمله فیلسوفان صدرایی مسلک اند که به این مسئله پرداخته و کوشیده اند تا آن را تبیین کنند.	
۶۷. عدالت ۶۸. ارتباط ۶۹. آزادی ۷۰. حقوق ۷۱. اخلاق	عدالت یکی از پیچیده ترین مفاهیم در حوزه علوم انسانی است و علت پیچیدگی آن بیشتر به خاطر ارتباط و نسبت آن با مفاهیمی اجتماعی و فلسفی و تربیتی نظیر آزادی، حقوق، اخلاق و... است. اندیشمندان اسلامی با وجود اختلاف نظر در تعاریف عدالت به یک حقیقت اشاره دارند و آن توزیع شایسته امکانات - اعم از امکانات نفسانی یا اجتماعی - و رسیدن حق به حقدار است این معنا در کلام حضرت علی(ع) نهفته است. آن حضرت می فرماید: عدالت هر چیزی را در جای خود قرار می دهد و سخاوت آن را از چپتی که دارد، بیرون می آورد عدالت رهبری همگانی است و سخاوت عارضه ای است محدود، پس عدالت شریف ترین و بهترین این دو صفت است.	(ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۶)
۷۲. اجرای قوانین عادلانه ۷۳. لزوم وجود قانون	در اندیشه فیلسوفان اسلامی عدالت از چنان جایگاهی برخوردار است که بدون آن اجرای قوانین عادلانه در یک جامعه امکانپذیر نیست. چنانچه علامه طباطبایی در مورد لزوم وجود قانون و تبعیت از آن می گوید: به قانونی محتاج می باشند که عامه خلق به آن رجوع نمایند، و برطبق آن به عدل حکم نمایند، و الا جمع فاسد و نظام مختل می گردد.	(اردستانی، ۱۳۹۸)
۷۴. عقل نظری ۷۵. ادراک و معرفت	وی سعادت عقل نظری را معرفت حقایق وجودی از مبدا هستی تا آخرین مرتبه وجود می داند زیرا برای عقل نظری به جز ادراک و معرفت، کمال دیگری متصور نیست. ایشان حکمت را که معرفت اثیاست آن گونه که هستند و به ویژه حکمت حقه را که معرفت اوصاف و افعال خداوند و نیز معرفت نفس و معاد آن است را اصل سعادت دانست.	(ارشادی نیا، ۱۳۹۳)

نویسنده	پاراگراف مستخرج	شاخص / کد باز
(امید، ۱۳۹۰)	در مقابل، هر وجودی که ناقص تر باشد، شر و شقاوت هم در آن زیاد تر خواهد بود. در این راستا، در مرتبه اول، اتم موجودات و اشرف آنها وجود باری تعالی است و در مرتبه بعدی، موجودات مجردة عقلیه سپس نفوس انسانی قرار دارند که نازل تر از مجردات عقلیه و پست ترین موجودات هیولای اولی و زمان و حرکت است و بالاتر از آن به ترتیب صور جسمیه، صور نوعیه و نفوس قرار دارند.	۷۶. شر و شقاوت ۷۷. وجود باری تعالی ۷۸. مجردات عقلیه
(پورحسن، ۱۳۹۲)	هرگاه نفوس انسانی به کمال حقیقی و نهایی خود برسند، رابطه شان با این بدن عنصری مادی قطع شود و به همان حقیقت وجودی خود، یعنی آفریدگار رجوع کنند، آن گاه به قرب الی الله نایل شده، دارای بهجت و سرور می شوند که قابل مقایسه با لذات حسی نیست، زیرا اسباب این لذت قوی تر، کامل تر، بیشتر و برای نفس ملازم تر است	۷۹. نفوس انسانی ۸۰. کمال حقیقی و نهایی ۸۱. قرب الی الله
(کشانی، ۱۳۹۹)	بحث علم عمدتاً در دو جا مورد بررسی قرار می گیرد: یکی در بحث وجود ذهنی که هم ملاصدرا و هم مرحوم علامه به آن پرداخته اند و دیگری در بحث اتحاد علم و عالم و معلوم. اما طرح مسأله علم در بحث وجود ذهنی به لحاظ هستی شناسی است، نه معرفت شناسی. اساساً مباحث مربوط به ادراک و معرفت در موارد متعددی ذکر شده است.	۸۲. وجود ذهن ۸۳. اتحاد علم و عالم و معلوم ۸۴. ادراک و معرفت
(اردستانی، ۱۳۹۸)	دلیل این که چرا فلاسفه با این که در باب وجود ذهنی مسائل مربوط به علم را بحث می کنند، در عین حال مسائل باب علم را هم به صورت مستقل مطرح می کنند، آن است که جهات بحث فرق می کند. در باب وجود ذهنی به لحاظ هستی شناسی است و در باب عقل و عاقل معقول به لحاظ معرفت شناسی است. بنابراین، این بحث از یک نظر بحث در ماهیت علم است و از نظر دیگر، بحث درباره تقسیم وجود به وجود ذهنی و وجود عینی.	۸۵. هستی شناسی ۸۶. معرفت شناسی ۸۷. ماهیت علم
(۲۰۱۳ مترجم، اصفهانی)	وجود علم نیز امری وجدانی و بدیهی است. علم یک حالت وجدانی نفسانی است که انسان زنده دانا بی تردید آن را در خود می یابد و وجودش را تصدیق می کند.	۸۸. امکان دسترسی سریع به اطلاعات ۸۹. ضرورت تربیت

نویسنده	پاراگراف مستخرج	شاخص / کد باز
	بنابراین، اگر تعریفی برای علم صورت بگیرد، تعریفی لفظی و شرح اللفظ خواهد بود (اژدری زاده، ۱۳۹۴).	شهروند جهانی
(اژدری زاده، ۱۳۹۴)	وجود علم نیز امری وجدانی و بدیهی است. علم یک حالت وجدانی نفسانی است که انسان زنده دانا بی تردید آن را در خود می‌یابد و وجودش را تصدیق می‌کند. بنابراین، اگر تعریفی برای علم صورت بگیرد، تعریفی لفظی و شرح اللفظ خواهد بود.	۹۰. وجود علم ۹۱. حالت وجدانی نفسانی ۹۲. شرح اللفظ
(مصباح یزدی، ۱۳۶۲)	مرحوم علامه علم را به لحاظ هستی‌شناسی به دو قسم تقسیم می‌کند: علم حصولی و حضوری. در بحث وجود ذهنی نحوه علم حصولی را چنین بیان می‌کند: ما علم به برخی موجودات خارجی داریم، یعنی اشیاء خارجی با ماهیتشان در نزد ما حاضرند نه با وجودهای خارجی که دارای آثار خارجی هستند. این نوع علم را حصولی می‌نامند. قسم دوم علم حضوری است که ایشان مصادیقی را به عنوان علم حضوری ذکر می‌کند و با ذکر این موارد، علم حضوری را اثبات می‌نماید.	۹۳. علم حصولی ۹۴. علم حضوری
(مطهری، ۱۳۶۶)	اگر آنچه هنگام علم ما به ذات خویش حاضر است ماهیت باشد و نه وجود، لازم می‌آید که یک وجود دو ماهیت داشته باشد به نحوی که هر دو ماهیت یکی قائم به وجود عینی و دیگری حضور ماهیت در نزد نفس هنگام علم به خود، موجود به وجود نفس و قائم به آن باشند. قیام دو ماهیت مماثل به یک وجود، اجتماع مثلین است.	۹۵. قائم به وجود عینی ۹۶. حضور ماهیت در نزد نفس
(اصغری، ۱۳۹۸)	مرحوم علامه و به تبع ایشان شهید مطهری، به دنبال مشی عام همه اصولیین و علمای کلام اسلامی که اوامر و نواهی شرع و اخلاق را مبتنی بر مصالح و مفاسد می‌دانند، نظریه ای ارائه فرموده اند که در واقع تقریر همین مشی عام است؛ منتهی با کمک گرفتن از پاره ای تصورات و تصدیقات فلسفی و کلامی که به نظریه اعتباریات معروف است (اصغری، ۱۳۹۸).	۹۷. نظریه اعتباریات
(اعوانی، ۱۳۹۴)	. برای اینکه فعل به ضرورت برسد تا از انسان صادر شود، نیاز به یک کار خاص است که نمونه آن در افعال بشر یافت می‌شود.	۹۸. افعال بشر

نویسنده	پاراگراف مستخرج	شاخص / کد باز
(افروغ، ۱۳۹۴)	بین انسان و افعال اختیاری او مثل غذا خوردن رابطه‌ی امکانی برقرار است و به صرف این رابطه فعل انجام نمی‌شود و نیاز انسان مرتفع نمی‌گردد.	۹۹. انسان و افعال اختیاری او
امه (طلب، و نامدار، ۱۳۹۶)	باید دست به یک کار مجازی و قراردادی و جعلی و اعتباری زد (اعتبار یعنی چیزی مثل غذا خوردن را که مصداق حقیقی چیزی مثل ضرورت نیست، مصداق آن قرار داد) و رابطه‌ی امکانی بین غذا خوردن و انسان را مصداق رابطه‌ی ضروری قرار داد تا فعل صورت گیرد و از انسان صادر شود. پس معیار این کار مجازی رابطه‌ی واقعی بین غذا خوردن و تأمین نیاز است؛ انسان نیز طالب رفع نیازهای خود است و با این معیار، انسان دست به هر جعلی نمی‌زند؛ بلکه باید رابطه‌ها و نیازهای واقعی ملاک باشد.	۱۰۰. رابطه‌ی امکانی ۱۰۱. رابطه‌ی ضروری ۱۰۲. نیازهای واقعی
(امید، ۱۳۹۰)	بر اساس این نظریه، صفات کمالی در خارج با ذات الهی و با یکدیگر عینیت دارند هر چند از جهت مفهومی با هم و با ذات مغایرند. وی این نظریه را بر اساس اصولی فلسفی همچون "معطی شیء فاقد شیء نمی‌شود" و صرافت و بساطت ذات الهی مدلل می‌کند	۱۰۳. صفات کمالی ۱۰۴. ذات الهی
(پورحسن، ۱۳۹۲)	پاسخ نخست بر این مبنا است که چون مفاهیم صفات اعتباری است، کثرت مفهومی صفات لطمه‌ای به وحدت مصداقی صفات و ذات نمی‌زند. اما پاسخ دوم یک گام فراتر می‌نهد و مقام ذات الهی را از تقید مفهومی و مصداقی پیراسته می‌داند؛ هر چند کثرت مفهومی صفات بعد از مقام ذات تحقق می‌یابد اما ذات خداوند عین تمام صفات کمالی به نحو اعلی و اشرف است	۱۰۵. صفات لطمه‌ای ۱۰۶. صفات اعتباری
(حقیقت، و مزیدی، ۱۳۹۷)	بنا بر اصطلاحی رایج در میان فیلسوفان و متکلمان ما صفاتی را که به خدای متعال نسبت می‌دهیم، چیزی غیر از ذات خدا نیست، نه این که موجوداتی غیر از ذات باشند که به ذات ملحق میشوند... و ذات به آنها اتصاف پیدا می‌کند، آن چنان که در صفات ما مخلوقات چنین است.	۱۰۷. خدای متعال ۱۰۸. ذات خدا
(داوودی، ۱۳۹۵)	به این معنا که عارف می‌بیند هر صفت کمالی اصالتاً از آن خداست و هرگونه علم، قدرت، حیات و... را که در موجودات خارجی؛ مشاهده می‌کند، همه را مستند به خدای متعال می‌یابد	۱۰۹. علم ۱۱۰. قدرت

نویسنده	پاراگراف مستخرج	شاخص / کد باز
(صالحی، و یاراحمدی، ۱۳۹۷)	نظریه حکیمان مشتمل بر سه اصل است: الف) عینیت مصداقی (وجودی) صفات با ذات الهی ب) عینیت مصداقی (وجودی) صفات با ذات الهی؛ ج) تغایر (کثرت) مفهومی صفات با یکدیگر و با ذات الهی	۱۱۱. عینیت مصداقی (وجودی) صفات با ذات الهی ۱۱۲. عینیت مصداقی (وجودی) صفات با یکدیگر ۱۱۳. تغایر (کثرت) مفهومی صفات با یکدیگر و با ذات الهی
(طباطبایی، ۱۳۵۰)	اگر سلسله وجودات رابط به وجودی مستقل منتهی نشود، لازم می‌آید که وجود رابط بدون وجود مستقل و قوام بخش آن، تحقق یابد. اما این خلاف فرض است؛ زیرا در این صورت، وجود عین ربط و فقر، وجودی مستقل و غنی خواهد بود	۱۱۴. سلسله وجودات ۱۱۵. وجودی مستقل
(طباطبایی، ۱۳۵۵)	علامه طباطبایی در اصول فلسفه و روش رئالیسم می‌گوید وجود علت تامه از وجود معلول قوی‌تر است؛ زیرا تمام واقعیت و وجود معلول از آثار وجود علت بوده و متکی به وجود آن می‌باشد به بیان دیگر، وقتی معلول با علت خود سنجیده می‌شود، وجودی است عین ربط و فقر به علت اما علت تامه، وجودی مستقل است که وجود رابط قائم و وابسته به اوست	۱۱۶. وجود علت تامه ۱۱۷. وجود رابط قائم و وابسته
(طباطبایی، ۱۳۹۲)	اما در مورد علت‌های دیگر، به این ابتدائیت (و اقوی بودن) نمی‌توان حکم قطعی داد علامه طباطبایی علت مؤثر را علت فاعلی تام و علت تامه میدانند	۱۱۸. اقوی بودن ۱۱۹. علت مؤثر
(طباطبایی، ۱۳۹۶)	از آن جا که صفات کمالی چیزی غیر از وجود نیستند و وجود علت هستی بخش، اقوی از وجود معلول است و از سوی دیگر، معطی شیء فاقد شیء نیست، پس علت کمالات وجودی معلول خود را به نحو اعلی و اشرف دارد.	۱۲۰. وجود علت هستی بخش ۱۲۱. وجود معلول
(طباطبایی، ۱۳۹۷)	توضیح آن که خداوند صرف الوجود است؛ زیرا عین وجودی است که ماهیت و جزء عدمی ندارد به سخن دیگر، صرف هر حقیقت خالی از تمام مقابلات خود است و هرگز متصف به عدم آن حقیقت نمی‌شود.	۱۲۲. صرف الوجود

نویسنده	پاراگراف مستخرج	شاخص / کد باز
(کشانی، ۱۳۹۹)	اما ترکیب از اجزای خارجی و عقلی (اجزای بالفعل) و اجزای بالقوه با توسع عقل و نگاه استقلالی به حد وجودی رخ می نمایند؛ زیرا ماهیت در این نگاه است که استقلال مفهومی می یابد و دارای احکام و لوازمی می گردد. اما اگر حد وجود را به عنوان امری عدمی بگیریم با نفی آن، ترکیب از وجود و عدم نیز از ذات باری تعالی نفی خواهد شد.	۱۲۳. اجزای بالفعل ۱۲۴. اجزای بالقوه
(اژدری زاده، ۱۳۹۴)	طباطبائی پس از تضعیف قول مشهور حکما و ملاصدرا به این نتیجه می رسد که قضاء بر دو گونه است: قضاء ذاتی و قضاء فعلی که یکی منطبق بر علم ذاتی و دیگری منطبق بر علم فعلی است	۱۲۵. قضاء ذاتی ۱۲۶. قضاء فعلی
(امید، ۱۳۹۰)	اهمیت دیگر مسئله علم این است که بیشتر صفات حق تعالی به آن بر می گردد، اراده همان علم به نظام احسن است، و حیات همان درآک فعال است و سمیع و بصیر همان علم به شنیدنی ها و دیدنی هاست	۱۲۷. صفات حق تعالی
(پورحسن، ۱۳۹۲)	و حق تعالی به همه مراتب احاطه قیومیه دارد و به شهود واحد شاهد بر همه اشیاء است، اما چون دارای تعدد مظاهر و مجالی شهود است، از این رو از هر مرتب های به نام خاصی یاد می شود.	۱۲۸. احاطه قیومیه
(کمیحانی و فریادرس، ۱۳۹۴)	یکی از مهم ترین اهداف تربیتی جامعه دینی عبارت است از «رشد کمالات انسانی و شکوفا کردن استعدادها» در این نگاه «تربیت، عبارت است از پرورش دادن، یعنی به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی ای را که بالقوه در یک شی موجود است و فراهم کردن زمینه ی رشد استعدادی که در او وجود دارد»	۱۲۹. رشد کمالات انسانی ۱۳۰. به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی ای
(طباطبائی، ۱۳۹۷)	اما هیچ یک به اندازه ی تزکیه، ناظر بر تربیت قرآنی، به مفهوم فراهم سازی زمینه رشد و شکوفائی گرایش های متعالی انسانی و راه یابی به کمال نیست	۱۳۱. تزکیه ۱۳۲. راه یابی به کمال
(آشتیانی، ۱۳۹۶)	مظاهر قهر و سلطان خود را فرمان می دهد تا آن چه را از نظام عالم فاسد و تباه شده است، به جای اصلی اش بازگرداند	۱۳۳. مظاهر قهر و سلطان
(اردستانی، ۱۳۹۸)	همچنین شهروندان از نظر فطرت و طبیعت اختلاف دارند و هر یک به اندازه ای از عنایت خداوند بهره برده اند و هر کدام و هر دسته در مرتبه از جامعه قرار دارند.	۱۳۴. فطرت ۱۳۵. طبیعت

نویسنده	پاراگراف مستخرج	شاخص / کد باز
	مهم آن است که همه شهروندان و گروه های اجتماعی به سوی یک هدف در حرکت باشند.	
(شیرازی، ۱۳۹۱)	همچنین امامت امام و فلسفه فیلسوف و سروری سروران بر اثر نبودن وسایلی که به وسیله آن ها خواست های خود را انجام دهند و یا نبودن افرادی که لازم است تا تحقق اهدافشان به کار گیرند، فساد نپذیرد و تباهی نگیرد	۱۳۶. امامت امام
(. اخلاقی، ۱۳۹۳)	اندیشه سیاسی دارای معنای عام، خاص و خاص الخاص باشد. اندیشه سیاسی به معنای عام، هر گونه تأمل در باب اندیشه های تربیتی را شامل می شود، خواه این تأمل توسط متفکر حرفه ای انجام شده باشد، خواه توسط متفکری غیر حرفه ای.	۱۳۷. اندیشه سیاسی ۱۳۸. اندیشه های تربیتی
(تقوی، ۱۳۹۱)	اگر در اندیشه سیاسی صدرا نوآوری وجود داشته باشد، باید آن را در پیوند با نظریه حرکت جوهری جست و جو نمود. انسان کامل و رئیس مدینه براساس حرکت جوهری به کمالاتی دست می یابد و شایستگی رهبری جامعه را پیدا می کند. بنابراین غایت جامعه نیز براساس حرکت جوهری انسان کامل تعریف می شود	۱۳۹. نظریه حرکت جوهری ۱۴۰. شایستگی رهبری جامعه ۱۴۱. غایت جامعه
(لک زایی، ۱۳۹۱)	ملاصدرا ویژگی های ده گانه این مکتب را چنین ترسیم کرده است: خدا محور، مسافر بودن انسان، ارسال رسل و امامان و مجتهدان برای هدایت و راهنمایی بشر، ارتباط دین و اندیشه های تربیتی و دنیا و آخرت، غایت مداری، ابزار بودن دنیا، دینی بودن نظام سیاسی، نظریه انتصاب رهبری، نفی تغلب و محوریت قانون الهی	۱۴۲. خدا محوری ۱۴۳. هدایت و راهنمایی بشر ۱۴۴. محوریت قانون الهی
(صدرالمتألهین شیرازی، به کوشش: فیضی، ۱۳۹۶)	حکمت متعالیه در عین حال که نفوذ بسیاری پیدا کرده است، از پیچیدگی و شکل خاصی برخوردار است. هرکس که به فلسفه و مجموعه علوم عقلی، دلبستگی دارد، نمی تواند ذهن خود را از این نظام فلسفی، فارغ و خالی کند و هر گونه تحقیقی را در این باره معتنم می شمارد. خصوصاً با نفوذ و گسترشی که این طرز تلقی از جهان هستی پیدا کرده است، ضرورت افزونتری برای پیگیری اصول این فلسفه حس می شود	۱۴۵. حکمت متعالیه ۱۴۶. طرز تلقی از جهان هستی
(نصر، ۱۳۴۰)	لازم است تا از وحی و تهذیب نفس برای رسیدن به آنها کمک گرفته شود، عبارتند از: فرشته شناسی، شناخت	۱۴۷. وحی ۱۴۸. تهذیب نفس

نویسنده	پاراگراف مستخرج	شاخص / کد باز
	جواهر غیرمادی، شناخت لوح محفوظ، شناخت قلم اعلا، شناخت مرگ و رستاخیز و سایر اموری که به زندگی اخروی مربوط است.	
(عبودیت، ۱۳۸۹)	همچنین وی معرفت فلسفی و تربیتی و تمام معارف را در شبکه و منظومه‌ای خاص (دینی و الهی) می‌بیند و بر این اساس، علوم اخروی و الهی و حکمت نظری را بر علوم دنیوی و حکمت عملی مقدم می‌داند.	۱۴۹. حکمت نظری ۱۵۰. حکمت عملی

۲- کدگذاری محوری

در این مرحله محقق بر اساس شباهتهای محتوایی اقدام به دسته بندی شاخص های بدست آمده در مرحله کدگذاری باز نموده است. در این مرحله که کدگذاری محوری نامیده می شود یکی از کدها/شاخصها که توان و ظرفیت محتوایی بالاتری نسبت به سایر کدها دارد انتخاب می شود و سایر کدهایی که به لحاظ محتوایی به آن شبیه تر هستند در ذیل آن قرار می گیرند. همچنین می توان پس از دسته بندی محتوایی آنها، بر اساس مبانی نظری و تجربی یک اسم/عنوان برای آن برگزید. دسته بندی صورت گرفته تحت عنوان کد محوری یا مولفه قلمداد می شود. بر این اساس و با توجه به بررسی ها و بررسی انجام شده توسط محقق برای هر بعد، ۷ کد محوری بدست آمده است که هر کدام تعدادی از کدهای باز/شاخصها را در بر گرفته است.

جدول شماره ۲: کدگذاری محوری مولفه های تطبیقی اندیشه های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبائی به منظور ارائه الگوی تربیت اخلاقی دانش آموزان دوره متوسطه اول

ابعاد	مولفه / کد محوری	شاخص / کد باز	ردیف
اندیشه فلسفی	معرفت شناسی	۳۲. حرکت جوهری	۱
		۲۸. اندیشه	۲
		۳۰. حرکت جوهری	۳
		۸۱. قرب الی الله	۴
		۳۱. غایت جامعه	۵
	انسان شناسی	۴۹. امر شریعت	۶
		۵۴. سعادت دنیوی	۷
		۵۲. ذات و کمال	۸
		۵۵. سعادت اخروی	۹
	عبودیت	۴۱. اندیشه های تربیتی	۱۰
		۴۴. عبودیت پروردگار	۱۱

ابعاد	مولفه / کد محوری	شاخص / کد باز	ردیف
		۴۷. غایت	۱۲
		۴۸. فعل و انفعال	۱۳
		۷. احساسات انسان	۱۴
	هستی‌شناسی	۱۳. طبیعت	۱۵
		۶۱. خلق اعتدال	۱۶
		۲۵. مسائل تخصصی	۱۷
		تعلیم	۱۳۰. به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی
۶۰. اخلاق متضادهٔ بدنیه	۱۹		
۲۱. اندیشه‌های تربیتی	۲۰		
۵۹. مشارکت بدن	۲۱		
اندیشه تربیتی	نگرش	۶۶. عقیده	۲۲
		۶۳. امکان عقلی	۲۳
		۶۴. رجعت خاص	۲۴
		۶۵. نگاه عقلی و فلسفی	۲۵
	وظیفه‌شناسی	۶۲. شبهه عقلانی	۲۶
		۶۷. عدالت	۲۷
		۷۰. حقوق	۲۸
		۷۲. اجرای قوانین عادلانه	۲۹
		۷۱. اخلاق	۳۰
		۶۸. ارتباط	۳۱
تعهدات	۷۵. ادراک و معرفت	۳۲	
	۷۴. عقل نظری	۳۳	
اندیشه سیاسی	دانش الهی	۷۶. شر و شقاوت	۳۴
		۷۷. وجود باری تعالی	۳۵
		۷۸. مجردات عقلیه	۳۶
		۷۳. لزوم وجود قانون	۳۷
	دانش سیاسی	۷۹. نفوس انسانی	۳۸
		۲۶. اندیشه سیاسی	۳۹
		۸۰. کمال حقیقی و نهایی	۴۰
تنوع فرهنگی	۶۹. آزادی	۴۱	
	۸۳. اتحاد علم و عالم و معلوم	۴۲	
	۸۲. وجود ذهن	۴۳	

ابعاد	مولفه / کد محوری	شاخص / کد باز	ردیف
		۸۴. ادراک و معرفت	۴۴
		۵۷. سعادت عملی	۴۵
	انتخاب	۸۶. معرفت شناسی	۴۶
		۸۵. هستی شناسی	۴۷
تربیت مطلوب	شناخت	۹۲. شرح اللفظ	۴۸
		۹۱. حالت وجدانی نفسانی	۴۹
		۹۰. وجود علم	۵۰
		۸۸. وجود علم	۵۱
	گرایش	۹۴. علم حضوری	۵۲
		۹۳. علم حصولی	۵۳
		۹۷. نظریه اعتباریات	۵۴
		۸۹. حالت وجدانی نفسانی	۵۵
	نیاز	۸۷. ماهیت علم	۵۶
		۹۵. قائم به وجود عینی	۵۷
		۹۸. افعال بشر	۵۸
		۹۶. ماهیت نفس	۵۹
		۵۶. سعادت علمی	۶۰
		۵۳. کمال مطلق	۶۱
	فرصت	۹۹. انسان و افعال اختیاری او	۶۲
		۱۰۱. رابطه ضروری	۶۳
		۱۰۰. رابطه امکانی	۶۴
		۵۰. اندیشه های تربیتی عرضی	۶۵
		۵۱. اندیشه های تربیتی شخصی	۶۶
	توحید صفاتی	صفات	۱۰۶. صفات اعتباری
۱۰۴. ذات الهی			۶۸
۱۰۲. نیازهای واقعی			۶۹
۱۰۳. صفات کمالی			۷۰
۱۰۵. صفات لطمه ای			۷۱
مسئولیت پذیری		۱۱۱. وجود صفات با ذات الهی	۷۲
		۱۱۲. وجود صفات با یکدیگر	۷۳
		۱۱۳. کثرت ذات الهی	۷۴
		۱۰۷. خدای متعال	۷۵
		۱۰۸. ذات خدا	۷۶

ردیف	شاخص / کد باز	مولفه / کد محوری	ابعاد
۷۷	۱۱۴. سلسله وجودات	برنامه ریزی	
۷۸	۱۱۵. وجودی مستقل		
۷۹	۱۱۶. وجود علت تامه		
۸۰	۱۱۷. وجود رابط قائم و وابسته		
۸۱	۱۱۹. علت مؤثر	مهارت	
۸۲	۱۲۱. وجود معلول		
۸۳	۱۲۲. صرف الوجود		
۸۴	۱۲۰. علت هستی بخش		
۸۵	۱۰۹. علم		
۸۶	۱۲۳. اجزای بالفعل	افعال	
۸۷	۱۲۶. قضاء فعلی		
۸۸	۱۲۷. صفات حق تعالی		
۸۹	۱۲۴. اجزای بالقوه		
۹۰	۱۲۹. رشد کمالات انسانی	کمال	
۹۱	۵۸. سعادت نفس		
۹۲	۱۲۸. احاطه قیومیه		
۹۳	۱۲۵. قضاء ذاتی		
۹۴	۱۱۰. قدرت	عدالت	
۹۵	۱۳۱. ترکیه		
۹۶	۱۳۳. مظاهر قهر و سلطان		
۹۷	۱۳۲. راه یابی به کمال		
۹۸	۴۶. مبدأ	دانش تخصصی	
۹۹	۱۳۴. فطرت		
۱۰۰	۱۳۵. طبیعت		
۱۰۱	۱۳۹. نظریه حرکت جوهری		
۱۰۲	۱۴۱. غایت جامعه	تربیت	حکمت متعالیه
۱۰۳	۱۳۸. اندیشه های تربیتی		
۱۰۴	۱۳۶. امامت امام		
۱۰۵	۱۳۷. اندیشه سیاسی		
۱۰۶	۱۴۳. هدایت و راهنمایی بشر	هدایت	
۱۰۷	۱۴۲. خدا محوری		
۱۰۸	۱۴۴. محوریت قانون الهی		
۱۰۹	۱۴۰. شایستگی رهبری جامعه		

ردیف	شاخص / کد باز	مولفه / کد محوری	ابعاد
۱۱۰	۱۴۸. تهذیب نفس	رهبری	
۱۱۱	۴۳. حکمت نظری		
۱۱۲	۱۴۶. طرز تلقی از جهان هستی		
۱۱۳	۱۴۵. حکمت متعالیه		
۱۱۴	۱۵۰. حکمت عملی	حکمت	
۱۱۵	۱۴۹. حکمت نظری		
۱۱۶	۱۴۷. وحی		

۳- کدگذاری انتخابی

پس از کدگذاری محوری، مولفه‌های بدست آمده در یک مفهوم بزرگتر دسته بندی می شوند که از آن تحت عنوان ابعاد یاد می شود و این فرایند به کدگذاری انتخابی مشهور است.

جدول شماره ۳: کدگذاری انتخابی مولفه های تطبیقی اندیشه های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبائی به منظور ارائه الگوی تربیت اخلاقی دانش آموزان دوره متوسطه اول

ردیف	شاخص	مولفه	ابعاد
۱	۳۰. حرکت جوهری	معرفت شناسی	اندیشه فلسفی
	۸۱. قرب الی الله		
	۳۱. غایت جامعه		
۲	۴۹. امر شریعت	انسان شناسی	
	۵۴. سعادت دنیوی		
	۵۲. ذات و کمال		
۳	۴۱. اندیشه های تربیتی	عبودیت	
	۴۴. عبودیت پروردگار		
	۴۷. غایت		
۴	۷. احساسات انسان	هستی شناسی	
	۱۳. طبیعت		
	۶۱. خلق اعتدال		
۵	۶۰. اخلاق متضاده بدنی	تعلیم	اندیشه تربیتی
	۲۱. اندیشه های تربیتی		
	۵۹. مشارکت بدن		
۶	۶۳. امکان عقلی	نگرش	
	۶۴. رجعت خاص		
	۶۵. نگاه عقلی و فلسفی		

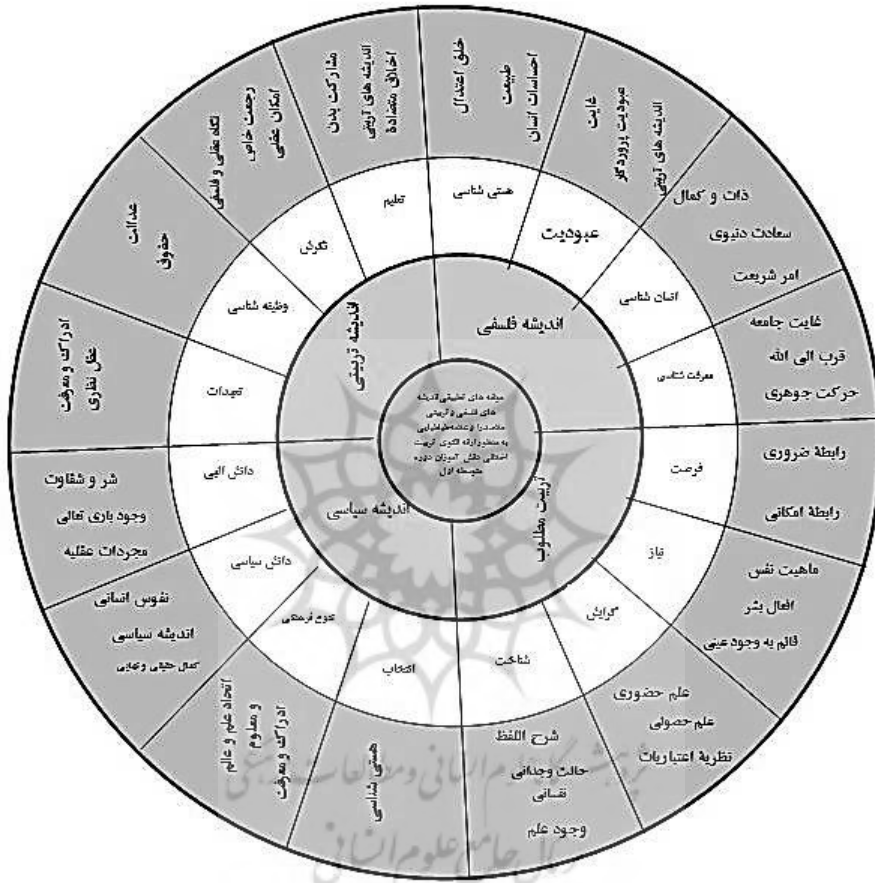
ردیف	شاخص	مؤلفه	ابعاد
۷	۶۷. عدالت ۷۰. حقوق	وظیفه شناسی	
۸	۷۵. ادراک و معرفت ۷۴. عقل نظری	تعهدات	
۹	۷۶. شر و شقاوت ۷۷. وجود باری تعالی ۷۸. مجردات عقلیه	دانش الهی	اندیشه سیاسی
۱۰	۷۹. نفوس انسانی ۲۶. اندیشه سیاسی ۸۰. کمال حقیقی و نهایی	دانش سیاسی	
۱۱	۸۳. اتحاد علم و عالم و معلوم ۸۴. ادراک و معرفت	تنوع فرهنگی	
۱۲	۸۵. هستی شناسی	انتخاب	
۱۳	۹۲. شرح اللفظ ۹۱. حالت وجدانی نفسانی ۹۰. وجود علم	شناخت	تربیت مطلوب
۱۴	۹۴. علم حضوری ۹۳. علم حصولی ۹۷. نظریه اعتباریات	گرایش	
۱۵	۹۵. قائم به وجود عینی ۹۸. افعال بشر ۹۶. ماهیت نفس	نیاز	
۱۶	۱۰۱. رابطه ضروری ۱۰۰. رابطه امکانی	فرصت	
۱۷	۱۰۶. صفات اعتباری ۱۰۳. صفات کمالی ۱۰۵. صفات لطمه ای	صفات	توحید صفاتی
۱۸	۱۱۱. وجود صفات با ذات الهی ۱۱۲. وجود صفات با یکدیگر ۱۱۳. کثرت ذات الهی	مسئولیت پذیری	
۱۹	۱۱۵. وجودی مستقل	برنامه ریزی	
۲۰	۱۱۹. علت مؤثر ۱۲۰. علت هستی بخش	مهارت	

ردیف	شاخص	مولفه	ابعاد
۲۱	۱۲۳. اجزای بالفعل	افعال	سعدت
	۱۲۶. قضاء فعلی		
	۱۲۷. صفات حق تعالی		
	۱۲۸. احاطه قیومیه		
۲۲	۱۲۵. قضاء ذاتی	کمال	سعدت
	۱۱۰. قدرت		
۲۳	۱۳۳. مظاهر قهر و سلطان	عدالت	سعدت
	۱۳۲. راه یابی به کمال		
۲۴	۴۶. مبدأ	دانش تخصصی	سعدت
	۱۳۴. فطرت		
۲۵	۱۳۹. نظریه حرکت جوهری	تربیت	سعدت
	۱۴۱. غایت جامعه		
۲۶	۱۳۸. اندیشه های تربیتی	هدایت	حکمت متعالیه
	۱۳۶. امامت امام		
۲۷	۱۴۲. خدا محوری	رهبری	حکمت متعالیه
	۱۴۰. شایستگی رهبری جامعه		
۲۸	۱۴۸. تهذیب نفس	حکمت	حکمت متعالیه
	۱۴۶. طرز تلقی از جهان هستی		
۲۸	۱۴۵. حکمت متعالیه	حکمت	حکمت متعالیه
	۱۵۰. حکمت عملی		
۲۸	۱۴۹. حکمت نظری	حکمت	حکمت متعالیه
	۱۴۹. حکمت نظری		

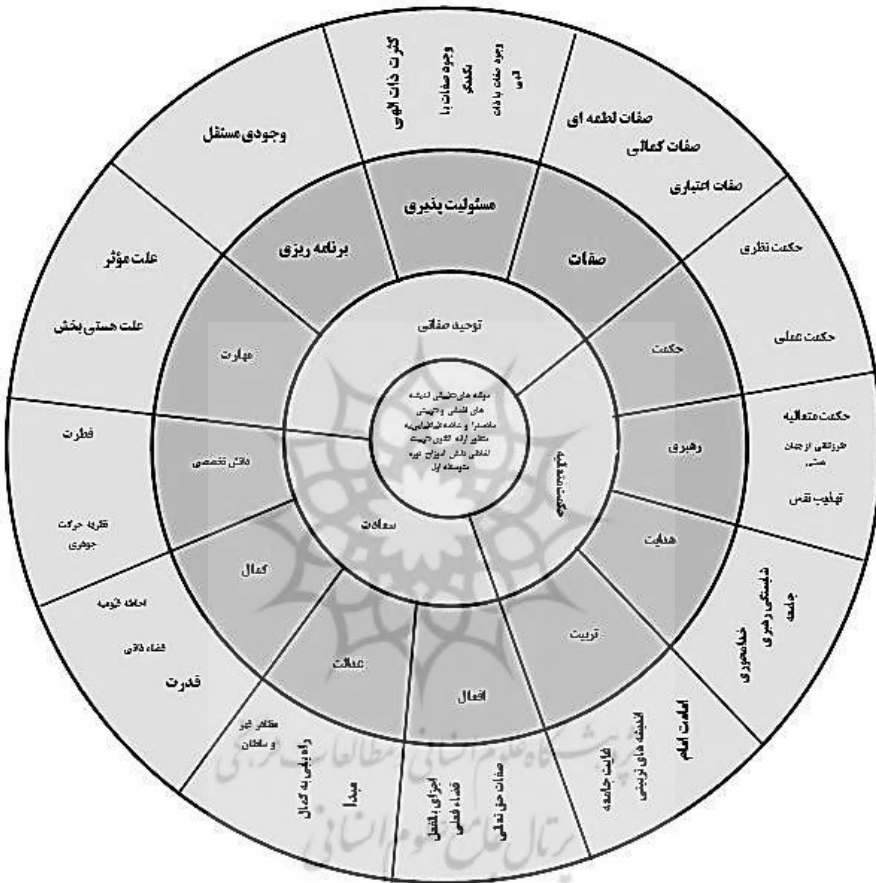
لازم بذکر است در طول مرحله کدگذاری باز، سعی شد با توجه به راهنمای ارائه شده توسط استراوس و کوربین (۱۹۹۸) با تفکیک متن مبانی نظری و تجربی و مستندات ها به عناصر دارای پیام در داخل خطوط و پاراگراف‌ها، کدهای باز استخراج شوند. داده ها به دقت مورد بررسی قرار گرفتند، عبارات و مفاهیم مناسب و مقوله های مربوط مشخص و ابعاد و ویژگی ها نیز تعیین گردیدند. واحد اصلی بررسی برای کدگذاری باز و محوری، مفاهیم بودند. فرضیه دوم: الگوی تربیت اخلاقی اندیشه های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبائی چگونه می تواند باشد؟

پس از بررسی و مطالعات مبانی نظری و پیشینه تحقیقاتی موضوع الگوی مفهومی مولفه های تربیت اخلاقی اندیشه های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبائی و مستندات با مقالات و پژوهشگران ۷ بعد، ۲۸ مولفه و ۷۲ شاخص در قالب یافته‌های بخش شناسایی شد این ۷ الگو

در قالب شکل‌های ۱، ۲ و ۳ ترسیم شده است که الگوی تربیت اخلاقی اندیشه‌های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبایی را نشان می‌دهد که مشتمل بر ۷ بعد، ۲۸ مولفه و ۷۲ شاخص است.



شکل ۱- الگوی مفهومی محقق ساخته مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبایی به منظور ارائه الگوی تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول



شکل شماره ۲- الگوی مفهومی محقق ساخته مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبائی به منظور ارائه الگوی تربیت اخلاقی دانش آموزان دوره متوسطه اول



شکل شماره ۳- الگوی مفهومی نهایی مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبائی به منظور ارائه الگوی تربیت اخلاقی دانش آموزان دوره متوسطه اول

نتیجه گیری

در این پژوهش بدنبال بررسی اندیشه‌های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبائی به منظور ارائه الگوی تربیت اخلاقی دانش آموزان دوره متوسطه اول بودیم و در راستای دستیابی به این الگو، مولفه‌ها و شاخص‌های بررسی اندیشه‌های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبائی به منظور ارائه الگوی تربیت اخلاقی دانش آموزان دوره متوسطه اول شناسایی شد. در این مرحله از پژوهش، مفاهیم و نکات کلیدی بدست آمده در خصوص الگوی مولفه‌های تطبیقی اندیشه‌های فلسفی و تربیتی ملاصدرا و علامه طباطبائی به منظور ارائه الگوی تربیت اخلاقی دانش آموزان دوره متوسطه اول، از فرایند مطالعه اسناد و مدارک شامل مبانی نظری و پیشینه پژوهش یادداشت برداری و بر اساس مبانی علمی و نظری از نظر مفهومی یکسان‌سازی شدند. متعابیه ملاصدرا حکمت در عین حال که نفوذ بسیاری پیدا کرده است، از پیچیدگی و شکل خاصی برخوردار است. هرکس که به فلسفه و مجموعه علوم عقلی، دلبستگی دارد، نمی‌تواند ذهن خود را از این نظام فلسفی، فارغ و خالی کند و هر گونه تحقیقی را در این باره مغتنم می‌شمارد. خصوصاً با نفوذ و گسترشی که این طرز تلقی از جهان هستی پیدا کرده است، ضرورت افزونتری برای پیگیری اصول این فلسفه حس می‌شود. علامه طباطبائی نیز علم را به لحاظ هستی‌شناسی به دو قسم تقسیم می‌کند: علم حصولی و حضوری. در بحث وجود ذهنی نحوه علم حصولی را چنین بیان می‌کند: ما علم به برخی موجودات خارجی داریم، یعنی اشیاء خارجی با ماهیاتشان در نزد ما حاضرند نه با وجودهای خارجی که دارای آثار خارجی هستند. این نوع علم را حصولی می‌نامند. قسم دوم علم حضوری است که ایشان مصادیقی را به عنوان علم حضوری ذکر می‌کند و با ذکر این موارد، علم حضوری را اثبات می‌نماید. ملاصدرا، همچون علامه طباطبائی در احصاء العلوم، علم اندیشه‌های تربیتی به معنای امروزی را از فقه فلسفی و تربیتی تفکیک می‌کند. در واقع، بخشی از امور کشورداری را شارع مقدس یا مجتهدان و فقها در هر زمان مشخص می‌کنند، و بخش دیگر به تدبیر خود انسان‌ها واگذار شده است و علم اندیشه‌های تربیتی و شریعت شامل هر دو می‌شود. در طبقه بندی اخیر ملاصدرا با علامه طباطبائی، این فرق وجود دارد که ملاصدرا علم اخلاق و تدبیر فرد را دانشی مستقل ذکر کرده، در حالی که علامه طباطبائی علم اخلاق، کلام، فقه و اندیشه‌های تربیتی را ذیل علم مدنی قرار داده است. از نظر علامه طباطبائی، اتصاف ذات الهی به صفات کمالی به نحو عینیت صفات با ذات و نیز با یکدیگر است و تنها این دیدگاه می‌تواند تفسیر معقول و قابل پذیرشی از توحید صفاتی ارایه کند. نظریه حکیمان مشتمل بر سه اصل است: الف) عینیت مصداقی (وجودی) صفات با ذات الهی؛ ب) عینیت مصداقی (وجودی) صفات با یکدیگر؛ ج) تغایر؛ (کثرت) مفهومی صفات با یکدیگر و با ذات الهی. از نظر ملاصدرا، اندیشه‌های تربیتی به معنای تدبیر و هدایت جامعه از دنیا به سوی آخرت به منظور تقرب به خداوند متعال می‌باشد؛ حرکت از خود پرستی به خداپرستی و از شرک به توحید. بدیهی است چنین اندیشه‌های تربیتی ی به انبیا ائمه و علمای واجد شرایط اختصاص دارد. در این راستا انسان‌ها دو راه در پیش دارند: راه خدا و راه طاغوت. معرفت جهت دهنده انسان به یکی از این دو مسیر خواهد بود.

فهرست منابع

۱. ادیب، یوسف (۱۴۲۳)، آموزش انضباط محور بر حیطة‌های یادگیری دانش‌آموزان، تهران: سروش.
۲. اردستانی، محمدعلی، (۱۳۹۸). ابداعات فلسفی علامه طباطبایی، اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳. اسمعیلی، سعید (۱۳۹۲)، فلسفه اخلاق لویناس در نگاه دریدا تهران: زرنگار.
۴. اصغری، محمد (۱۳۹۱)، تقدم اخلاق بر فلسفه در اندیشه ایمانوئل لویناس، تهران: آبیژ.
۵. امید، مسعود (۱۳۹۰)، نظری بر زندگی و برخی از آراء علامه طباطبایی، تهران: سروش.
۶. اولیچ، رابرت، (۲۰۱۷) مریبان بزرگ، مترجم علی شریعتمداری، تهران: قلم،
۷. بازرگان دیلمقانی، فریدون (۱۳۹۲)، آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش، تهران، انتشارات تزکیه
۸. بوگلا و سومک، (۲۰۱۸)، نفس از دیدگاه ابن عربی و ملاصدرا، تهران: سروش.
۹. پورحسن، قاسم (۱۳۹۲)، اعتباریات اجتماعی و نتایج معرفتی آن؛ بازخوانی دیدگاه علامه طباطبایی، تهران: حکمت
۱۰. خامنه ای سید محمد (۱۳۹۶)؛ فلسفه سیاسی در حکمت متعالیه، تهران: سفیر.
۱۱. ریچارد آپلین (۲۰۱۵) تربیت فلسفی و فلسفه تربیت، ترجمه محسن حکیمی، تهران: خجسته.
۱۲. صدرالمتهین شیرازی، (۱۳۹۶) مثنوی ملاصدرا، به کوشش: مصطفی فیضی، قم: کتابخانه آیةالله مرعشی نجفی،
۱۳. صدرالمتهین، (۱۳۸۹)، اسفار اربعه، ترجمه و تصحیح حسن حسن زاده آملی، چاپ پنجم، انتشارات بوستان کتاب،
۱۴. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۸)؛ روش شناسی فلسفه صدرا، تهران: زرنگار.
۱۵. لچت، جان (۲۰۱۹)، پنجاه متفکر بزرگ معاصر از ساختارگرایی تا پسامدرنیته، ترجمه محسن حکیمی، تهران: خجسته.
۱۶. لک‌زایی، نجف (۱۳۹۱) اندیشه سیاسی صدرالمتهین، قم، بوستان کتاب،
۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۶۲). نقش علامه طباطبایی در معارف اسلامی، مندرج در یادنامه علامه طباطبایی، اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۱)، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: صدرا.